

غریب خان

یا

اولین رئیس شهربانی اصفهان

سلطان مسعود میرزا فرزند ارشد ناصرالدین شاه روز بیستم صفر سال ۱۲۶۶ هجری قمری از بطن عفت الدوله دختر رضا قلی بیگ غلام و پیشخدمت بهمن میرزا برادر اعیانی محمد شاه که بعدها به عفت السلطنه ملقب گشت قدم بعرصه وجود نهاد، این شاهزاده که سه سال از مظفرالدین میرزا بزرگتر بود بدانبجهت به ولیعهدی انتخاب نگردید که مادرش عفت السلطنه از دودمان قاجار و از زنه‌های عقدی و دائمی ناصرالدین شاه نبود. ظل السلطان در ذیحجه ۱۲۷۸ بحکومت مازندران و ترکمن منصوب شد و پس از چهار سال و دو ماه بطهران احضار و پس از ازدواج با همدم الملك نوه دختری مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه و دختر میرزا تقی خان امیر کبیر بفرمان فرمائی فارس برگزیده شد. این شاهزاده سه بار بحکومت فارس منصوب گردید و بالاخره در سال ۱۲۸۳ ه. ق با وزارت امیر اصلانخان مجدالدوله بحکومت اصفهان رسید .

ظل السلطان در یکی از سفرهای خود بشیراز پرویز خان را که جوانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اعاده نظم شهر باد سپرده شد و عملاً بریاست شهر بانی اصفهان که تا آن زمان وجود خارجی نداشت منصوب گشت .

غریب خان در دوران ریاست شهر بانی موفق شد نظم و آرامش شهر را حفظ کند ولی بزودی میانهاش با آقا نجفی و دارو دستهاش که خود را همه کاره می دانستند بهم خورد، چه آقا نجفی طبق معمول برای استخلاص یکی از زندانیان توصیه ای نوشت و بدست میرزا حیدرعلی نوکر خود سپرده تا برئیس شهر بانی سپرده و زندانی را آزاد نماید. غریب خان که مردی مقتدر و زیر بار فرو بود نامه آقا نجفی را پاره کرد و از آزاد کردن زندانی سر باز زد . این امر که تا آن زمان سابقه نداشت به آقا نجفی که خود را فعال مایشاء میدانست گران آمد لاجرم میان دو ابر قدرت شکر آب شد .

در صفحه ۱۱۵ ضمیمه جلد دوم کتاب ای می نویسد .

« تشاجرات بین مأمورین محلی مکرر و زیاده بوده ، ظاهراً باعث این تشاجرات علماء محل اند که برای حفظ نفوذ خود در جهد و کوشش اند ولیکن اطلاعات اخیر مشعر بر این است که آقا نجفی و دو پسرش مشغول تهیه اند که از اصفهان خارج شده بکر بلای معلا مشرف شوند و مایلند که املاک و مستغلات وسیعه خود را در تحت حمایت خارجه بگذارند در تاریخ ۵ فوریه پنجاه شصت نفر سید شروع باغتشاش نمودند و دکانین بازار را بزور بستند و بر ضد انجمن فریاد بلند نمودند ، سوارهای بختیاری مأمور باز کردن دکانین شده اند و سادات را مجبور کردند که پی کار خود بروند .

مقصود از اقدام و غوغای سادات این بود که بر ضد رئیس نظمی که

کاغذ آقا نجفی را راجع باستخلاص يك نفر محبوس پاره کرد و برای خود آقا عودت داده پروتست نمایند»

غریب خان وقتی که دید با وجود بختیاریها از یکسو و دار و دسته آقا - نجفی از سوی دیگر قادر بادامه کار نیست مستعفی شد و با افرادی که در اختیار داشت بحدود شهرضای فعلی رفت و بر علیه دولت علم طغیان برافراشت . سر جرج یار کلی در تاریخ ۲۱ مارس به سراد وارد گری چنین تلگراف میکند . (۱) « حکومت اصفهان استعداد بزرگی با چند عراده توپ بر علیه غریب خان نامی اعزام مینماید مشارالیه فعلا دارای ۱۵۰۰ نفر جمعیت است و در قمشه علم طغیان بر افراشته است » .

در جای دیگر این کتاب ضمن اخبار اصفهان می نویسد :

«... در راه شیراز و قمشه از او اسطماه مارس معرض اغتشاش انقلابی بود که غریب خان باعث آن شده است مشارالیه سابقاً در اصفهان رئیس نظمیه بوده و بمحض انفصال از این خدمت به نقطه مزبور فرار نموده و از قرار مذکور ۱۷۰۰ نفر دور خود جمع نموده است . اردوئی مرکب از ۴۰۰ سرباز و ۵۰ سوار بختیاری و چند عراده توپ در اصفهان برای جلوگیری او فرستاده شد . استعداد دیگری از چهار محال مأمور و مقرر است که با آن اردو حرکت نماید » .

در جنگی که حوالی قمشه بین سربازان دولتی و غریب خان اتفاق افتاد غریب خان شکست خورد و خودش نیز متواری گردید .

در صفحه ۱۶۶ همین کتاب می نویسد :



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی